

Investigating the Role of Urban Historical Social Centers in the Identity of Historical Cities (Case Study: Shiraz)

Didehrowshan, Arash

Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Moztarzadeh, Hamed

Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

In the face of rapid economic development, population growth, increasing needs of people and changing lifestyles, most of the historical centers of Iran have seen difficulty in making the necessary adjustments and adaptations to current needs and changes. This article examines the role of urban regeneration in reviving redundant historical and social urban centers and how to use them to strengthen the urban identity of their cities. This study is based on a case study approach focusing on urban regeneration in the historical center of Shiraz. Since the construction project has not been completed, this study will focus more on the physical aspects of urban identity rather than its social dimensions. The related experimental research has used a comprehensive fieldwork done through multiple site visits. This article argues that one of the ways to restore the urban identity of Shiraz urban historical social centers is to return to its original roots and try to preserve them in the face of emerging environments. This article examines a novel experience in Iran and Shiraz in creating a new urban identity inspired by the past through a project in order to study the role of urban historical social centers. The results of this study show that the architectural indicators of the historical context of Shiraz have the highest score and average in the continuity index, indicating that the explicit meaning means a visual cognition difficult to fit in human memory.

Keywords: Urban identity, Urban reconstruction, Shiraz, Historical centers, Historical social centers.

Citation: Didehrowshan, A; Moztarzadeh, H. (2023), Investigating the Role of Urban Historical Social Centers in the Identity of Historical Cities (Case Study: Shiraz), Journal of Geography and Environmental Studies, 11 (44), 98-112. Dor: 20.1001.1.20087845.1401.11.44.6.9

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقاله پژوهشی

بررسی نقش مراکز اجتماعی تاریخی شهری بر هویت شهرهای تاریخی (نمونه موردی شهر شیراز)

آرش دیده روشن

گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

حامد مضطرزاده*

گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

شهر پدیده‌ای است تاریخی که بخش چشمگیری از تاریخ مدنیت بشر در بافت‌های قدیمی آن تجلی می‌یابد که بیانگر فرهنگ، هویت نسل‌های گذشته است و گنجینه‌ای از میراث ملموس و ناملموس تاریخ سرزمین را در خود پرورانده است. مراکز اجتماعی بافت تاریخی به عنوان بخشی از صورت ظاهری (کالبد)؛ دارای ارزش‌های معماری و مفاهیم متعددی هستند. که بایسته است موضوع تحقیق‌های دامنه دار و عمیقی جهت بازشناخت این مفاهیم و تداومشان، قرار گیرد. این مطالعه مبتنی بر رویکرد مطالعه موردی با تمرکز بر بازآفرینی شهری در مرکز تاریخی شهر شیراز است. از آنجایی که پروژه ساختی انجام نشده است، این پژوهش بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی هویت شهری تمرکز خواهد کرد تا ابعاد اجتماعی آن. تحقیقات تجربی از یک کار میدانی جامع که از طریق چندین بازدید از سایت انجام شده است. این مقاله استدلال می‌کند که یکی از راه‌های بازیابی هویت شهری مراکز اجتماعی تاریخی شهری شیراز، بازگشت به ریشه‌های اولیه آن و تلاش برای حفظ آنها در مواجهه با محیط‌های نوظهور است. این پژوهش با بررسی مراکز اجتماعی تاریخی شهر شیراز، تجربه جدیدی را در ایجاد هویت شهری امروزی با الهام از گذشته مورد توجه قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این بخش نشان می‌دهد که عناصر و مولفه‌های معماری بافت تاریخی شهر شیراز در شاخص تداوم دارای بیشترین نمره و میانگین هستند که معرف معنای صریح بافت تاریخی این شهر می‌باشد.

کلمات کلیدی: هویت شهری، بازسازی شهری، شیراز، مراکز تاریخی، مراکز اجتماعی تاریخی.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

نویسنده مسئول: حامد مضطرزاده، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران . Hamed.Moztarzadeh@gmail.com

۱. مقدمه

مراکز شهری تاریخی نقش عمده‌ای در تقویت هویت مکان، حافظه و تعلق دارند. علاوه بر این، آنها تمایل به ایجاد هویت شهری برای بقیه شهر و مناطق مجاور دارند (Carrion, 2005). علاوه بر این، شفلر و همکاران (۲۰۰۹) استدلال کرد که میراث فرهنگی می‌تواند به عنوان یک ارزش "نرم" دیده شود، که به شهرها هویت منحصر به فرد ارائه می‌دهد، در حالی که با شهرهای دیگر برای جذب بازارهای جهانی رقابت می‌کند (Scheffler et al., 2009).

در طول قرن بیستم و به بعد، توسعه شهری در شهرهای تاریخی به ستون فقرات دنیای امروزی از تغییرات پویای محیطی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی تبدیل شده است. تعدادی از نویسندگان در مورد نقش میراث فرهنگی به عنوان یک کاتالیزور اصلی برای توسعه اقتصادی و فرهنگی بحث کردند. در این حوزه تحقیقاتی، نقش میراث فرهنگی را در بهبود زندگی مردم و در عین حال برآوردن نیازهای آنها به هویت و تعلق، روشن کردند (Tweed & Southerland, 2007). در همین راستا، ایوانز (۲۰۰۵) بر تأثیرات مثبت مداخلات بازسازی در مناطق شهری تاریخی تأکید کرد، در حالی که بسیاری از دولت‌ها را تشویق کرد تا استراتژی‌های شهری مبتنی بر فرهنگ را ایجاد کنند. (Evans, 2005)

در حالی که میراث ساخته شده مهم است، ارزش‌های دیگر مرتبط با حافظه و هویت را نباید نادیده گرفت زیرا جوهره هویت شهری شهر را تشکیل می‌دهند. در بیانیه زیر، بر اهمیت میراث فرهنگی در شهرهای کنونی تأکید کرد. در نتیجه، برنامه ریزی برای حفظ و ارتقای میراث فرهنگی، ملموس و ناملموس، جوامع ساکن در شهرها ضروری است، زیرا میراث به عنوان نقشی در شکل دادن به هویت شهر شناخته شده است. این بیانیه نقش بازآفرینی میراث فرهنگی را به عنوان راهی برای تقویت منحصر به فرد بودن و متمایز بودن یک شهر به ارمغان می‌آورد. (UN-HABITAT, 2010)

در حالی که تغییر قانون زندگی است؛ در مناطق حساس با منابع تاریخی شکننده، مهم است که تغییر تدریجی و نه ریشه‌ای باشد تا از آن اجتناب شود، همانطور که جاکوبز (۲۰۱۱) آن را «غارت یک شهر» نامیده است. (Jacobs, 2011) آهسته به جای تغییر ریشه‌ای می‌تواند از جابجایی عمده و اصیل سازی ساکنان محلی جلوگیری کند همانطور که توسط لینچ (۱۹۷۲) (ص ۳۳) بیان شده است: «اگر تغییر اجتناب ناپذیر است، باید تعدیل و کنترل شود تا از جابجایی خشونت آمیز جلوگیری شود و حداکثر بازسازی شود. تداوم با گذشته». بنابراین، حفظ میراث ساخته شده در عین عدم تضعیف ارزش‌های ناملموس، برای حفظ تداوم قوی با گذشته مهم است. (Lynch, 1972, p:33)

در غرب، در طول دهه ۱۹۷۰، پروژه‌های عظیم تحول و نوسازی شهری شروع به کاهش کردند و بازآفرینی شهری به عنوان جایگزینی برای نوسازی شهری ظاهر شد. به عنوان مثال، "اعلامیه آمستردام" (European Parliament, 1975) مفهوم حفاظت یکپارچه را ایجاد کرد و نقش‌های مثبتی را که میراث فرهنگی ممکن است در شهر معاصر ایفا کند ستایش کرد. بازآفرینی شهری با پرداختن به مسائل منطقی و هیجانی شهری مانند اصیل سازی مناطق و مراکز تاریخی به این نگرانی واکنش نشان می‌دهد. این امر با فراهم کردن شرایط بهتر برای ساکنان محلی امکان پذیر است. علاوه بر این، کیفیت‌های ملموس و ناملموسی را که در جریان اصلی شهرنشینی و جهانی شدن سریع ناپدید شده‌اند، احیا کنید. برای حفظ یک تغییر تدریجی و همه جانبه در شهرها، از ذینفعان محلی نیاز است که بازآفرینی و هویت شهری را در دستور کار سیاست‌های برنامه ریزی شهری خود ادغام کنند (Ziyae, 2018). این پژوهش با هدف بررسی نقش مراکز اجتماعی تاریخی شهری بر هویت شهری شیراز در پی پاسخ به این است که مراکز اجتماعی تاریخی شهری چه نقشی در شکلگیری هویت شهری در بافت شهری شیراز دارند؟ فرض تحقیق بر آن است که یکی از راه‌های بازیابی هویت شهری مراکز اجتماعی تاریخی شهری شیراز، بازگشت به ریشه‌های اولیه آن و تلاش برای حفظ آنها در مواجهه با محیط‌های نوظهور است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

کاربرد چهارچوب نظری در پژوهش‌های تاریخی از جمله راهکارهایی است که طی سالهای اخیر به عنوان یکی از شیوه‌های ارتقای سطح علمی مطالعات تاریخی پیشنهاد می‌شود. چهارچوب نظری به مجموعه‌ای از گزاره‌ها اطلاق می‌شود که به لحاظ نظری قادر به تبیین یا طبقه بندی متغیر وابسته یا اصلی تحقیق هستند. این گزاره‌ها ممکن است از یک نظریه خاص گرفته شده باشند یا تلفیقی از نظریات مختلف باشند که همگرایی آنها به لحاظ نظری توسط محقق ثابت شده باشد. چهارچوب نظری این پژوهش با توجه به کلید واژه‌های تحقیق از نظرات محققان و نظریه پردازان معماری و شهرسازی و به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای با مراجعه به مقالات و پژوهش‌های معتبر تامین شده است.

۱,۲. نیاز به هویت شهری

برنامه ریزی مدرنیستی پس از جنگ، بر اساس اصول منشور آتن، شهر را به مناطق تعریف شده با تأکید غالب بر خودرو جدا کرد، که به ایجاد شباهت‌های زیادی بین شهرهای سراسر جهان کمک کرد. امروزه جهان از طریق تجارت جهانی، رسانه‌ها، جریان‌های فضایی، ارتباطات اقتصادی، مبادله آزاد مردم، ایده‌ها و پول به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده است. از آنجایی که شهرها به دنبال جذب بازارهای جهانی از طریق تجارت و گردشگری هستند، آنها در تلاش هستند تا شهرهای خود را متمایز و منحصر به فرد نگه دارند. امروزه، نیاز به هویت شهری یک شهر در یک جهان جهانی در حال ظهور، به رسمیت شناخته شده است.

مفهوم هویت شهری اغلب زمانی که میراث مورد بحث قرار می‌گیرد به ذهن خطور می‌کند. هویت شهری اغلب با استفاده از فرم شهری متمایز تاریخی، سبک معماری، راه حل‌های طراحی و تزئینات، در حالی که از مصالح ساختمانی محلی و تکنیک‌های ساخت و ساز استفاده می‌شود، بیان می‌شود. محیط‌های تاریخی با ساختمان‌های خود تصویر بصری منحصر به فردی از شهر را قبل از ترسیم در دریایی از محیط‌های جهانی ارائه داده‌اند. این پژوهش بر این باور است که علاوه بر ساخت بناهای جدید با الهام از گذشته، بازآفرینی نواحی تاریخی می‌تواند نقش اساسی در بازسازی شهرهای کنونی و از بین رفتن هویت‌های شهری داشته باشد. نیاز به هویت شهر مهم است زیرا هماهنگی بین عناصر "ثابت" و "در حال تغییر" را فراهم می‌کند. افراد و رویدادها، که توسط یک پیوند متقابل یکپارچه می‌شوند که یک شهر خاص را منحصر به فرد و متمایز می‌کند (Lynch, 1960). در همین راستا جوامع تکامل یافته و دگرگون می‌شوند، بنابراین، حفاظت از مناطق تاریخی خاص برای بازیابی هویت شهری یک شهر اساسی است. در این زمینه، کارتا (۱۹۹۱) اظهار داشت: «ما باید این متغیرها را پیدا کنیم و آنها را با موقعیت‌ها و شرایط معاصر تطبیق دهیم و بر اساس این میراث ویژگی و ارزش‌های ذاتی (تاریخ، فرهنگ، طبیعت) است که می‌توان ایجاد یک فرآیند نوآوری محلی موثر و پایدار، که می‌تواند به منبع هویت جمعی، ابزار ارتباط بین نسل‌ها و ابزاری برای به حداکثر رساندن فرصت‌ها تبدیل شود.

(Carta, 1991, p:112)

رلف (۱۹۷۶) با این استدلال که: «نیاز عمیق انسانی برای ارتباط با مکان‌های مهم وجود دارد، نیاز به هویت مکان را برجسته کرد. اگر تصمیم بگیریم که این نیاز را نادیده بگیریم و از نیروهای بی‌مکانی پیروی کنیم تا بدون چالش ادامه دهیم، آن‌گاه آینده فقط می‌تواند محیطی را در خود جای دهد که مکان‌ها در آن به سادگی مهم نباشند (Cheshmehzangi, 2020). از سوی دیگر، اگر ما تصمیم بگیریم که به آن نیاز پاسخ دهیم و از بی‌مکانی فراتر برویم، آنگاه این پتانسیل برای توسعه محیطی وجود دارد که مکان‌ها برای انسان باشد و تنوع تجربیات انسانی را منعکس و تقویت کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هویت شهری در شهر کنونی به ویژه با روندهای نوظهور جهانی شدن به یک نیاز مبرم تبدیل شده است. (Relph, 1976, p:147)

هویت شهری به موضوعی بسیار بحث‌انگیز تبدیل شده است که بسیاری از محققان و برنامه‌ریزان شهری مشهور از زوایای مختلف به آن پرداخته‌اند. برای مثال، بوتینا-واتسون و بنتلی (۲۰۰۷) بیان کردند که «هویت مکان» «مجموعه‌ای از معانی مرتبط با هر منظر

فرهنگی خاصی است که هر فرد یا گروه خاصی از مردم در ساختن خود از آن استفاده می‌کنند. هویت شخصی یا اجتماعی». (Butina-Watson & Bentley, 2007, p:6)

هویت شهری ترکیبی از میراث فیزیکی، فرهنگ محلی و بافت جغرافیایی است که با خاطرات درک شده پوشانده شده است. علاوه بر این، «هویت شهر ترکیبی از آرزوها و تجربیات شهروندان و بازدیدکنندگان است. حس مکان و هویت در درک منطقه وسیع تر شهر و مکان‌های فیزیکی خاص منعکس می‌شود. برای هر شهر، یافتن هویت اصیل و متمایز خود در «دنیای بی مکان»، جایی که مارک‌های مشابه در هر خیابان بزرگ وجود دارد، چالش است» (The Academy of Urbanism, 2011, p:72) به گفته شولز، حس مکان همچنین به عنوان «مکان‌های نابغه مکان» که به «روح مکان» فراگیر اشاره دارد، به منظور تقویت، دستکاری و بهبود محیط‌هایمان دیده می‌شود (Schulz, 1980). به عقیده رلف، هویت هم از محتوایی که به افراد یا اشیاء اشاره دارد و هم از بافتی که متشکل از فرهنگ و محیط است تشکیل شده است، بنابراین تعامل هر دو است که هویت شهری را شکل می‌دهد. علاوه بر این، رلف استدلال می‌کند که هویت شهری یک مکان متشکل از «سه جزء مرتبط با یکدیگر است که هر یک به دیگری تقلیل‌ناپذیرند - ویژگی‌های فیزیکی یا ظاهر، فعالیت‌ها و عملکرد قابل مشاهده و معانی یا نمادها» (Relph, 1976, p:61) در بیانیه زیر روسی نقش خاطرات جمعی را در شکل دادن به هویت یک شهر آشکار می‌کند. «شهر خود حافظه جمعی مردمش است و مانند خاطره با اشیاء و مکان‌ها همراه است. شهر کانون حافظه جمعی است. این رابطه بین مکان و شهروند پس از آن به تصویر غالب شهر، هم از معماری و هم از منظر تبدیل می‌شود و با تبدیل شدن برخی مصنوعات به بخشی از حافظه آن، موارد جدیدی پدیدار می‌شوند. در این مفهوم کاملاً مثبت، ایده‌های بزرگی در تاریخ شهر جریان دارد و به آن شکل می‌دهد.» (Rossi, 1982)

به طور خلاصه، می‌توان تعاریف بیشتری از هویت شهری را بررسی کرد. به طور خلاصه این مفهوم پویا به عنوان «مکان-هویت»، «مکان»، «شخصیت یک مکان»، «تصویر مکان»، «حس مکان» و «معنویت مکان» تعریف شده است. همه اینها به هویت شهری به عنوان مفهوم «تمایز» و منحصر به فرد بودن مربوط می‌شود، که نشان می‌دهد مکان‌ها از یکدیگر قابل تمایز هستند (Cheshmehzangi, 2015). در اینجا کلمه «مکان» عمدتاً به یک محیط در مقیاس بزرگ مانند یک منطقه، یک جامعه یا یک شهر اشاره دارد. به طور خلاصه، هویت شهری به ویژگی محلی یک مکان اشاره دارد که آن را از سایر مناطق متمایز و متمایز می‌کند. پس از بحث درباره ضرورت هویت شهری و تعاریف مختلف آن، سوال اصلی که در اینجا باید مطرح شود این است که چگونه می‌توان هویت شهری را برای یک منطقه یا شهر حفظ کرد؟ به منظور حفظ یا تقویت هویت شهری محلی، تعدادی از طراحان و معماران جزئیات سنتی را کپی کرده و در نمای ساختمان خود قرار می‌دهند. با این حال، این رویکرد کپی پیست اغلب بدون درک کامل و کاوش معانی و اصول یک هویت محلی اجرا می‌شود (Schuster & Davidson, 1989, p:6). در همین سطرها، کیم (۲۰۰۰) بسیاری از ساختمان‌ها را توصیف می‌کند که در آن طراحان از نقوش معماری سنتی در طراحی ساختمان‌های دولتی، محله‌ها و شهرها، در بسیاری از کشورها در جستجوی هویت شهری تقلید می‌کنند. در حالی که این رویکرد به احترام به سبک سنتی موجود کمک می‌کند، اما با احساس مکان پشتیبانی نمی‌شود. (Kim, 2000, p:451)

تعدادی از محققان برخی از جنبه‌های مربوط به هویت کالبدی شهری را مطرح کردند. در این زمینه، لینچ (۱۹۸۱) فهرست کرد که منحصر به فرد بودن، همخوانی، اهمیت، از جمله جنبه‌های دیگری هستند که حس مکان و هویت را ایجاد می‌کنند (Lynch, 1960). الکساندر (۱۹۸۷) ادعا می‌کند که تمامیت مربوط به یک ویژگی کلی یک مکان با تداوم و انسجام ایجاد می‌شود. در همین راستا، گلدستین و الیوت (۱۹۹۱) نشان می‌دهند که چگونه اصول بصری و فیزیکی مانند تعادل، تناسب، تقارن، شباهت، وضوح، سازگاری و هماهنگی می‌توانند طراحان شهری را قادر به ایجاد هویت شهری کنند. علاوه بر این، کلباگ (۱۹۹۷)

به مفاهیم انسجام، تداوم، زمینه، تصویرپذیری، خوانایی و زیبایی اشاره می کند که همگی در دستیابی به هویت شهری یک شهر کمک می کنند.

دیدگاه ها و نظرات متفاوت، توافق بر سر یک تعریف از هویت شهری را دشوار می کند. با این حال، به نظر می رسد که در پنج جنبه که می توانند نقش عمده ای در تقویت هویت شهری محلی داشته باشند، اتفاق نظر وجود دارد. تداوم، یکتایی، اهمیت، سازگاری و انسجام (Kim, 2000, p:451-452). این پنج جنبه، چارچوب مفهومی را برای تحلیل بافت تاریخی شیراز و در ذیل شرح مختصری از آنها تشکیل خواهند داد.

برای دستیابی به «تداوم» با گذشته؛ عناصر طراحی سنتی اغلب در طراحی ساختمان های جدید مورد استفاده قرار می گیرند. الکساندر و همکاران (۱۹۸۷) همچنین نشان می دهد که یک مکان منحصر به فرد متکی بر تداوم با مکان های گذشته و تاریخچه محیط فیزیکی اطراف است. این نشان می دهد که هر چه مناطق و ساختمان های تاریخی بیشتر حفاظت شوند، احتمال تداوم قوی تری با گذشته بیشتر می شود.

برای پی بردن به "بی نظیر بودن" یک مکان، نیاز به تمایز مکان محلی از مکان های دیگر وجود دارد. یکی از راه های دستیابی به این هدف، حفاظت از میراث فرهنگی محلی است (Udeaja et al., 2020). علاوه بر این، ساختمان های جدید باید یکپارچه شده و به محیط ساخته شده تاریخی محلی احترام بگذارند. بنابراین، حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه سازه های جدید ساخته شده با احترام به قدیمی می تواند به تقویت منحصر به فرد یک شهر کمک کند. برای اطمینان از "اهمیت"، بناهای تاریخی و مناطق تاریخی برای حفظ احساس هویت محلی محافظت می شوند. علاوه بر این، لینچ (۱۹۸۱) اهمیت مکان را برحسب حضور رویدادهای تاریخی و دیگر ویژگی های نمادین که در برخی از ساختمان ها یا مناطق جامعه محلی تجلی می یابد، تعریف می کند.

برای رسیدن به "سازگاری"؛ ساختمان های جدید در یک منطقه تاریخی باید به تناسب بافتی با محیط ساخته شده تاریخی موجود دست یابند و هیچ گونه تضادی که هویت شهری محلی را تضعیف می کند ایجاد نکند. علاوه بر این، "انسجام" را می توان با ایجاد یک محیط ساخته شده همگن و نه تکه تکه شدن با تعداد زیادی از سبک ها به دست آورد. به این ترتیب، یک الگوی طراحی شهری منسجم به تقویت هویت یک منطقه کمک می کند. به طور خلاصه، مناطق تاریخی می توانند نقش فعالی در حفظ منحصر به فرد بودن شهرهای خود در حال و آینده داشته باشند. در برخورد با میراث ساخته شده، انواع مختلفی از مداخلات در یک شهر تاریخی وجود دارد. تعمیر، حفظ، تثبیت، مرمت، بازسازی، جایگزینی، بازسازی و بازسازی یکی از آنهاست. دومی می تواند برخی از جنبه های گذشته را بازیابی کند تا کاتالیزوری برای بازسازی هویت های گمشده شهرهای کنونی باشد (Australia ICOMOS, 2017).

۲.۲. بازآفرینی و هویت شهری

از آنجایی که شهرها از طریق فرآیند جهانی شدن به سرعت یکسان شده اند، آنچه می تواند آنها را متفاوت کند تداوم سنت های محلی و میراث فرهنگی آنهاست. فشارها برای تغییر کاربری ها توسط تعدادی نیرو ایجاد می شود. اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی-فرهنگی یا ترکیبی از همه آنها. بازآفرینی شهری نشان دهنده راهبردهایی برای تغییر محیط ساخته شده به منظور تحریک رشد اقتصادی است، در حالی که هویت شهری آن را حذف نمی کند (Jones & Evans, 2013, p:41).

شهرها برای همیشه در حال تغییر هستند. تغییرات کاربری زمین و نواحی بازسازی می شوند. نواحی شهری با سرعتی سریع رشد می کنند و اغلب برای پروژه های بازسازی عظیم آماده هستند (Jacobs, 2011). برای پرداختن به این مسائل، پروژه های بازآفرینی شهری برای احیای مراکز شهر باستانی رو به زوال، مکان های صنعتی و بندری قدیمی، مناطق مسکونی قدیمی و مراکز تاریخی و مناطق رقیق شده شهرها راه اندازی شده اند (Scheffler & et al., 2009). علاوه بر این، بازسازی یک جاه طلبی بلندمدت است که

شامل تلاش‌هایی برای اصلاح مشکلات در مناطق منسوخ شهری با بهبود اقتصاد آنها همراه با محیط فیزیکی آنها است که جوهر هویت شهری یک شهر را تشکیل می‌دهد.

رابرتز (۲۰۰۰) بازآفرینی شهری را به عنوان یک چشم‌انداز و اقدام جامع و یکپارچه توصیف می‌کند که منجر به حل مشکلات شهری می‌ود که به دنبال بهبود پایدار در وضعیت اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی منطقه‌ای است که در آن وجود داشته است. قابل تغییر است» (Roberts, 2000). علاوه بر این، بازآفرینی شهری با درگیر کردن ساکنان محلی و ذینفعان مختلف برای دستیابی به تعدادی از اهداف و اهداف، ماهیت یک شهر یا یک منطقه را تغییر می‌دهد (Scheffler & et.al, 2012). این امر نیاز به تشویق مشارکت جامعه و رویکردهای پایین به بالا در بازآفرینی مناطق و ولسوالی‌ها را به عنوان راهی برای تقویت حس همبستگی و در نتیجه هویت، برجسته می‌کند.

بین بازآفرینی شهری و هویت رابطه قوی وجود دارد. علاوه بر این، ارتقاء محیط ساخته شده، بافت اجتماعی و فضاهای شهری در ساختار شهری تاریخی، همگی به افزایش پذیرش آنها به عنوان مکان‌هایی برای تجمع و تبادل عمومی کمک می‌کند. این امر باعث افزایش تعامل اجتماعی و انسجام بین شهروندان می‌شود. در نتیجه، بازسازی مراکز شهرهای تاریخی تلاش می‌کند تا احساس هویت و احساس تعلق ساکنین به روح گذشته را دوباره تأیید و تقویت کند.

بازآفرینی شهری مراکز تاریخی تا حد زیادی به ارتقای کیفیت محیطی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی آنها کمک می‌کند تا محرک اصلی تغییر باشد. پروژه‌های توسعه‌ای که در مناطق تاریخی انجام می‌شود می‌تواند بازدیدکنندگان محلی و جهانی را برای کشف جاذبه‌های اصلی میراث جذب کند. علاوه بر این، بهبود محیط فیزیکی، بافت اجتماعی و فضاهای شهری می‌تواند پذیرش آنها را به عنوان مکان‌هایی برای تعامل و اجتماعات اجتماعی افزایش دهد. از این رو، بازآفرینی شهری تمایل به تقویت احساسات ساکنین از هویت و احساس مکان در محیط‌های جهانی نوظهور نوربرگ دارد (Norberg-Schulz, 1980).

شهر شیراز کنونی محل پیچیدگی، همزمانی و بی‌ثباتی است که موقعیت‌های دگرگونی و گذار سریع را ایجاد می‌کند. این تغییرات معمولاً ناشی از سود اقتصادی است که به ضرر ارزش‌های مرتبط با حافظه و احساس غرور است که ترکیبی، در معرض خطر و غیرقابل تشخیص است. در برخورد با مسئله هویت شهری شهرهای ایران و به طور خاص شهر شیراز، مطالعات گسترده‌ای در چندین دهه‌ی گذشته انجام شده است. اکثر این مطالعات به ضرورت تقویت هویت شهری شیراز بر اساس گذشته آنها علیرغم روندهای نوظهور جهانی شدن اشاره کردند. دومی به حذف آنچه که از مناطق تاریخی شیراز و سایر شهرهای ایران باقی مانده است، ادامه می‌دهد. معضل تداوم هویت شهری مبتنی بر گذشته در مورد منطقه تاریخی و مرکزی شیراز مورد بررسی قرار می‌گیرد. پنج جنبه تداوم، منحصر به فرد بودن، اهمیت، سازگاری و انسجام در این پژوهش در شهر شیراز مورد بررسی خواهد شد. در جدول زیر برای به دست آوردن مدل مفهومی رویکردمان، معیارها را در مقابل آرای اندیشمندان و تکرارپذیری معیارهای فراوانی آنها در آرای اندیشمندان بررسی می‌کنیم

معیار	نظریه	تداوم	منحصر به فرد بودن	اهمیت	سازگاری	انسجام
تداوم	●	●	●	●	●	●
منحصر به فرد بودن	●	●	●	●	●	●
اهمیت	●	●	●	●	●	●
سازگاری	●	●	●	●	●	●
انسجام	●	●	●	●	●	●

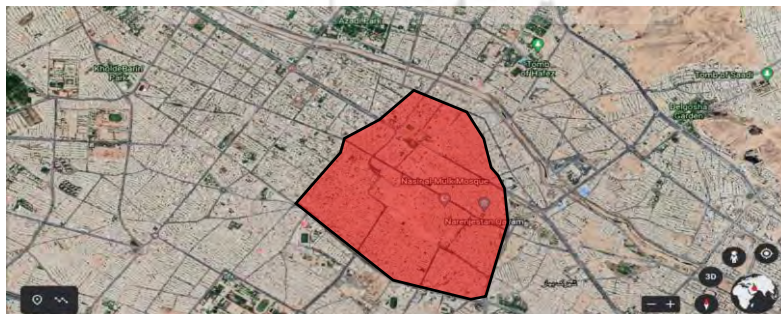
مولفه های نهایی بررسی هویت شهری در بافت تاریخی

انسانجام	سازگاری	اهمیت	تداوم	منحصر به فرد بودن
در بافت های شهری مفهوم انسانجام به مفهوم هماهنگی بسیار نزدیک می شود. در اینجا انسانجام به معنای ترکیب، هماهنگی و مجاورت بناهای گوناگون به گونه ای است که در قالب یک کل قابل درک باشند، هر بنا با بناهای دیگر هماهنگ بوده و جداگانه به نمایش خود نپردازد.	سازگاری به اساس کنار آمدن بافت با شرایط محیطی اطلاق می گردد. در بافت تاریخی سازگاری با در نظر گرفتن مصالح مناسب و بوم آورد، جزییات اجرای و نحوه اجرای بنای جدید با بافت تاریخی، حفظ تناسب و یکپارچگی میان اجزا و عناصر بافت صورت می گیرد	اهمیت مکان را برحسب حضور رویدادهای تاریخی و دیگر ویژگی های نمادین که در برخی از ساختمان ها یا مناطق جامعه محلی تجلی می یابد	بافت از بهم پیوستن ساختمان ها، احجام و اشکال ایجاد می گردد و در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی، فرهنگی معنایی دیگر می یابد	خصوصیات ویژه بناها به هریک از اجزاء و عناصر هویتی ممتاز و یگانه در مجموعه هماهنگ و منسجم شهری می بخشد.

شکل (۱): نمودار مولفه های نهایی جهت بررسی هویت شهری در بافت تاریخی (جمع بندی مبانی نظری)

۳. شناخت بستر پژوهش

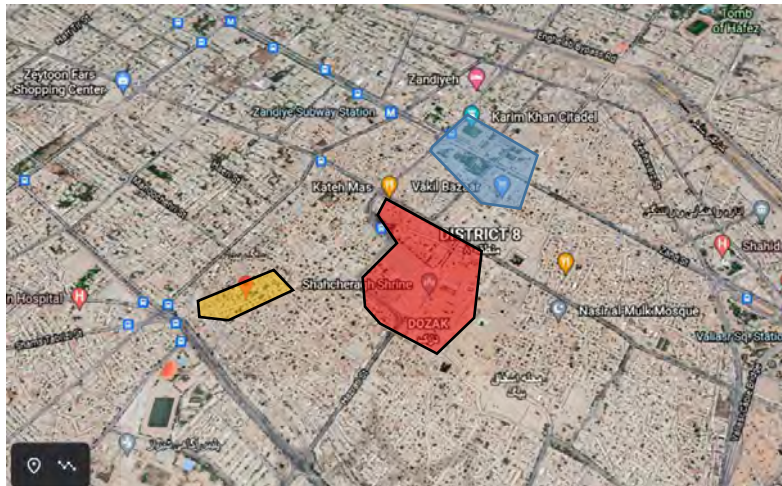
جهت سنجش مدل مفهومی ساخته شده برای ارتقاء اجتماع پذیری فضاهای اجتماعی، بخشی از شهر شیراز شامل (بافت تاریخی شیراز) منطقه ۸ تقسیمات شهری انتخاب شده است. بافت قدیم شهر شیراز به مساحت تقریبی ۳۶۰ هکتار در قلب شهر جای دارد. این محدوده که ۸/۲ درصد مساحت کل شهر را شامل می شود، هسته اولیه نمودارگیری شهر شیراز در آن جای دارد و طی دورانهای مختلف توسعه و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است که حدود آن دروازه ها و حصار دور شهر در دوره زندیه می باشد. مهمترین مراکز مذهبی شهر و قسمت عمده ای از بناها و مجموعه های با ارزش تاریخی این محدوده واقع است. در واقع این منطقه شیراز قدیم می باشد که طی فرایندهای رشد و توسعه شهری و افزایش جمعیت به عنوان زیر مجموعه ای از کل شهرداری آمده که دارای ویژگی های خاص خود می باشد وجود ۴۰۰ اثر بار ارزش، ۸ دروازه و ۱۲ مرکز و چندین محور فرهنگی می تواند تبلوری از شیوه زندگی، روابط اجتماعی، آداب و رسوم، باورها، تاریخ و هنر و به طور کلی بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی هر دوره باشد. حفظ و نگهداری و مرمت این آثار و مجموعه ها علاوه بر این که حیات دوباره ای به این آثار می دهد، از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز هویت تاریخی فرهنگی شهر شیراز را احیا می کند. جمعیت ساکن در این منطقه حدود ۷۵۰۰۰ نفر می باشد. که حدود نیمی از آنها غیر بومی هستند تعداد خانه های موجود در بافت تاریخی فرهنگی شیراز ۱۱۱۴۷ واحد می باشد.



شکل (۲): عکس هوای از منطقه ۸ شیراز منبع گوگل اِرت، ۲۰۲۱

هسته ی فرهنگی تاریخی شهر شیراز به عنوان حوزه فراگیر با وسعتی معادل ۳۷۸ هکتار، طی یک فرآیند تدریجی ۱۳۰۰ ساله نمودار گرفته است. استخوانبندی اصلی منطقه بافت قدیم را گذرهای تاریخی، مراکز فعالیت و عناصر شاخص فرهنگی و تاریخی تعریف

می‌کند و این بافت یکی از با ارزشترین پهنه‌های شاخص را در منظر شهری شیراز تشکیل می‌دهد. عناصر اصلی بافت تاریخی شامل مسجد و بازار و محله‌ی مسکونی است که نمونه‌های منتخب این پژوهش نیز یک مجموعه تاریخی و بازار آن (مجموعه زندیه) یک مکان مذهبی (مجموعه شاهچراغ) و یک محله مسکونی (محله سنگ سیاه) همگی از مرکز تاریخی شهر شیراز می‌باشند. در این پژوهش سه محدوده نسبتاً شلوغ که پویایی اجتماعی بیشتری نسبت به سایر مناطق دارند را به عنوان نمونه انتخابی در نظر گرفته ایم این سه محدوده شامل مجموعه کریم خان زند و مجموعه شاهچراغ و و محدوده سنگ سیاه شیراز می‌باشد.



شکل (۳): سه محدوده‌ی مدنظر جهت بررسی آبی: مجموعه زندیه، قرمز: شاهچراغ و زرد: محدوده سنگ سیاه منبع گوگل اِرت، ۲۰۲۱

۴. روش پژوهش

در این پژوهش نمونه‌های موردی بر اساس شاخص‌های تعیین شده و با توجه به عوامل اصلی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. شناخت بافت‌های تاریخی (بافت‌های واجد ارزش) و عناصر آن و شاخص‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور نوشتارهای تخصصی مربوط به بافت و ارزش‌های معنایی نهفته در آنها در قالب ماتریس مفهومی مورد مطالعه بررسی گرفته و میزان تجلی آنها در معماری بافت‌های تاریخی خواهد آمد و سپس نمودارهای نتایج و تحلیل‌های آنها در هر بخش به تفکیک بیان خواهد شد.

از ابزار مصاحبه برای بررسی دیدگاه کارشناسان، ساکنین قبلی و فعلی و همسایگان استفاده شده است. مصاحبه‌ها به صورت باز و گاه نیمه ساختار یافته، فردی و گروهی بوده‌اند تا بتوان ذهن پاسخ‌دهنده را به طور عمیق کاوش کرد و محتوای آشکار و پنهان شاخص‌های به دست آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها را بدست آورد. هدف این فرایند کشف ارتباط درونی اجزا و عناصر تشکیل دهنده داده‌ها و دستیابی به قصد واقعی مصاحبه شونده، یافتن شرایط و محیطی که با داده‌ها مرتبط است و در نهایت، ارائه نتایجی واقع بینانه بسته به هدف تحقیق است تا بتوان به گفته‌های کلیدی دست یافت. از این روش تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه نیز بیشتر به صورت تفسیری است.

گام‌ها و مراحل پیاده‌سازی، بدست‌آوری و تحلیل چهارچوب مفهومی در ذیل آمده است:

۱,۴. گام‌ها و مراحل پیاده‌سازی

- جمع‌آوری اسناد مدارک و نمونه‌های کافی از ۳ الگوی بافت تاریخی اجتماعی در شهر شیراز
- شناخت عناصر بافت در ۳ نمونه موردی بافت تاریخی با بررسی اسنادی و مشاهده میدانی و گفتگو با باشندگان.
- بدست‌آوری تعریف صحیح و کارکرد هر یک از عناصر بافت.

- پیاده‌سازی شاخص‌های در ۵ شاخص در چهارچوب مفهومی و مشخص کردن رابطه با مفاهیم ماتریس.
- پیدا کردن شاهد مثال مناسب و تدوین مدارک برای هر یک از عناصر بافت.

۴.۲. مراحل بدست‌آوری

- تکمیل کردن ماتریس بر اساس مدارک اسنادی (نقشه‌ها) مشاهدات و پیشینه موجود و گفتگو با باشندگان.
- ترسیم مختصات معانی موجود در مکان هر یک از عناصر بافت‌های تاریخی.
- ترسیم مختصات معانی موجود در ذهن هر یک از عناصر بافت‌های تاریخی.
- بدست‌آوری فراوانی هریک از مفاهیم در بافت‌های تاریخی شهر شیراز
- جمع‌بندی و محاسبه فراوانی هر یک از دسته‌ها.
- ترسیم نمودارها برای هر یک از دسته‌ها.

در گام بعدی شاخص‌های ارزش‌های معنایی معماری بافت تاریخی جهت ارزیابی نمونه‌های موردی تعیین شدند که برگرفته از سطوح معانی موجود در مکان و ذهن می‌باشد و طبقه‌بندی آنها از پنج بخش ۱. تداوم ۲. سازگاری ۳. اسنجام ۴. منحصر به فرد ۵. اهمیت، انجام گرفت. از نمونه‌های موردی، برای سنجش هر یک از انواع شاخص‌ها در عناصر بافت تاریخی استفاده گردید و به دلیل تنوع آنها، از تکنیک‌های مختلف مصاحبه، مشاهده عینی و رفتاری، مرور نوشتارها، اسناد، تحلیل نقشه‌های مربوطه و سایر تکنیک‌های تجربی استفاده شده است. روش‌های مبتنی بر مشاهده کارشناسی، تکنیک‌هایی بر پایه عینیات‌اند و برای سنجش شاخص‌های معنایی به کار می‌روند. در اینجا نیز منظور از مشاهده، مشاهداتی است که در ابعاد کالبدی، و عملکردی و چگونگی کشف معانی پنهان و نهفته و تجربه افراد در محیط و شناسایی این موضوع است که آیا معانی ادراک شده توسط فرد، در «محیط» وجود دارد یا در «ذهن نظاره‌گران».

از ابزار مصاحبه برای بررسی دیدگاه کارشناسان، ساکنین قبلی و فعلی و همسایگان استفاده شده است. مصاحبه‌ها به صورت باز و گاه نیمه ساختار یافته، فردی و گروهی بوده‌اند تا بتوان ذهن پاسخ‌دهنده را به طور عمیق کاوش کرد و محتوای آشکار و پنهان شاخص‌های به دست آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها را بدست آورد. هدف این فرایند کشف ارتباط درونی اجزا و عناصر تشکیل دهنده داده‌ها و دستیابی به قصد واقعی مصاحبه‌شونده، یافتن شرایط و محیطی که با داده‌ها مرتبط است و در نهایت، ارائه نتایجی واقع بینانه بسته به هدف تحقیق است تا بتوان به گفته‌های کلیدی دست یافت. از این روش تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه نیز بیشتر به صورت تفسیری است.

- نهایی کردن ماتریس مفهومی
- بدست‌آوری فراوانی هریک از مفاهیم در معماری بافت تاریخی
- بدست‌آوری درصد فراوانی هر یک از مفاهیم در بافت تاریخی
- ترسیم نمودار و چارت مربوط به مفاهیم
- تحلیل محتوای کیفی ماتریس مفهومی در بستر معماری بافت تاریخی

۵. ارائه ماتریس مفهومی معماری بافت تاریخی شهر شیراز

این ماتریس مفهومی که تمامی عناصر تاریخی واجد ارزش در بافت‌های تاریخی منتخب در شهر شیراز را مورد مطالعه بررسی و تحقیق ژرف قرار داده و نقش هر عنصر را بیان کرده است. امتیاز دهی به صورت استاندارد و در صورت دارا بودن هر مولفه در مکان یک امتیاز و در صورت نداشتن آن امتیازی دریافت نکرده است.

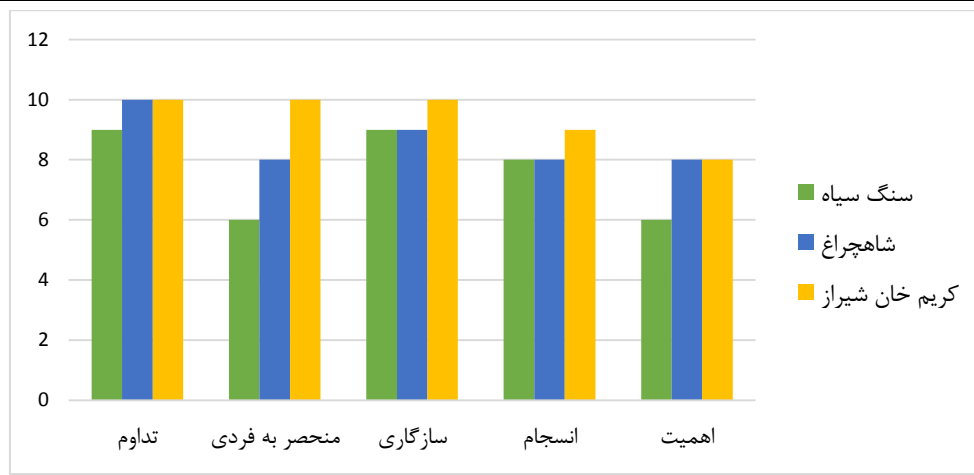
جدول (۱): معانی نهفته در معماری بافت‌های تاریخی شهر شیراز (مآخذ: نگارنده)

مکان	شاخص‌ها	امتیازات شاخص‌ها	عناصر و اجزاء بافت									
			خط آسمان	خط زمین	سطوح پر و خالی	ورودی	بالکن‌ها	عناصر عمودی	عناصر افقی	شکل	تزئینات	سطوح کدر و شفاف
مفاهیم در بافت تاریخی کریم خان	تداوم	۱۰	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	منحصر به فرد	۱۰	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	سازگاری	۱۰	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	انسجام	۹	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	اهمیت	۸	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
امتیازات عناصر		۴۷	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵
مفاهیم در بافت تاریخی شاهچراغ	تداوم	۱۰	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	منحصر به فرد	۸	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	سازگاری	۷	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	انسجام	۸	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	اهمیت	۸	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
امتیازات عناصر		۴۱	۳	۳	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۴
مفاهیم در بافت تاریخی سبزه سبزه	تداوم	۹	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	منحصر به فرد	۶	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	سازگاری	۹	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	انسجام	۸	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	اهمیت	۶	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
امتیازات عناصر		۳۸	۳	۳	۴	۴	۴	۵	۳	۴	۴	۴

۱.۵. ارزیابی میزان نمود مفاهیم معنایی نهفته در بافت تاریخی شیراز

همان‌طور که از شکل ۴ به نظر می‌رسد، بیشترین ارزش معنایی برای هویت بافت تاریخی شیراز متعلق به شاخص‌های تداوم، سازگاری، و انسجام است که این امر نشان‌دهنده آن است تنوع حجمی در میانه جداره متداوم ساختمان ارگ کریم خان با ایجاد یک فضای جلو آمده مناسب به عنوان فضای ورودی توانسته ارزش فضایی را در کالبد بافت کریمخان شیراز وارد کند که ضمن ایجاد انعطاف‌پذیری و حفظ تناسب و یکپارچگی میان اجزا و عناصر بدنه موجب سازگاری و کنار آمدن جداره با شرایط محیطی شده است.

از بعد دیگر می‌توان گفت شاخص منحصر به فردی از آن جهت اهمیت یافته است که موضوع سلسله‌مراتب بصری در خیابان کریمخان شیراز از جهت اندازه، فرم، موقعیت قرارگیری بازشوها، فضاهای پر و خالی و عناصر معماری که خود تأکیدی بر سلسله مراتب معنوی است و همچنین با قرارگیری ورودی به عنوان یکی از با اهمیت‌ترین اجزا ساختمان در وسط بر روی محور تقارن موجب شده است تا فضاهای دیگر بر حسب اهمیت به ترتیب در کناره‌ها قرار گیرند.



شکل (۴): نمودار مقایسه‌ای معانی نهفته در معماری بافت‌های تاریخی شهر شیراز (مآخذ: نگارنده)

در مقایسه و تحلیل نتایج به دست آمده در این قسمت می‌توان گفت که جهت غنای بافت شاهچراغ شیراز بر نبش تاکید شده و همچنین به عنوان عنصر نشانه در میان بدنه استفاده شده است و این بدنه بیش از هر چهره دیگری با مردم، ساکنان و توریست های شهری ارتباط برقرار کرده و در هماهنگی با بوم بوده است و به عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی هویت یافته است و عناصر هویتی ممتاز و یگانه در مجموعه هماهنگ و منسجم مجموعه شاهچراغ تبیین یافته است.

در نظری دیگر می‌توان گفت بافت محدوده شاهچراغ به عمد در تضاد و جدایی با محیط نشان داده شده است، و این جدایی دلایل مختلفی دارد، از جمله ساختمان‌های همسایه فاقد ارزش معنایی و شبیه‌سازی هستند و متناسب و هماهنگ با بافت تاریخی محدوده نبوده و ساختمان شاهچراغ نسبت به جداره‌های اطراف «چیز دیگری» است.

همان‌طور که از شکل ۴ به نظر می‌رسد بیشترین ارزش معنایی در بافت سنگ سیاه شیراز به شاخص تداوم بوده که این خود می‌تواند دلیل بر این باشد که ترکیب، تنظیم و ارتباط متناسب و همکاری میان عناصر جداره بافت برای رسیدن به هدفی خاص با حفظ شخصیت هر عنصر مجموعه‌ای مطلوب را ایجاد کرده که این بافت تاریخی که از بارزترین نمودهای بافت تاریخی شیراز است و ریخت بافت را تشکیل داده و همیشه در دید ناظر بوده، موجب تداعی خاطره هاست و همین خاطره‌ها حس تعلق به مکان و در نهایت ایجاد هویت برای شهروندان را تداعی می‌کند.

یکی دیگر از شاخص‌های پر اهمیت در این بافت سادگی است، خلوص و صراحت در بافت تاریخی سنگ سیاه شیراز، آن را قابل درک سریع کرده و با ایجاد تعادل بصری و قرینه سازی و حذف ریزکاری‌ها و جزئیات کم اهمیت به ایجاد سادگی کمک شایانی کرده است. از جنبه‌ای دیگر می‌توان گفت بیشتر از نیمی از ارزش معنایی متعلق به ابهام است زیرا در بدنه تاریخی ارگ کریمخان احساس عظمت معنوی در کمال سادگی و خلوص در تشکیل و ترکیب اجزا بدنه تاریخی مد نظر قرار داشته و سادگی ترکیبات این هندسه پایه ولی غنی موجب پیدایش کالبدی شده است که پیام آن با درک ویژه حسی قابل دریافت است و توأم با کلیتی است که کمال خود را در منظر و تصویری کامل القا می‌نماید. و همچنین شاخص پیچیدگی به دلیل خلوص و صراحت در بافت تاریخی دارای کمترین ارزش معنای است.

۶. نتیجه‌گیری

در پایان این پژوهش پس از شناخت نقش مراکز اجتماعی تاریخی شهری بر هویت شهر تاریخی شیراز و پیاده‌سازی آن‌ها در ماتریس مفهومی و تحلیل محتوای کیفی به چگونگی نحوه ظهور این معانی در معماری بافت تاریخی شیراز دست یافته، و اکاوی آن به روشی علمی انجام شد. در این راستا برای جمع‌بندی این فصل می‌توان به‌طور خلاصه به موارد ذیل اشاره نمود:

در بافت محله سنگ سیاه شیراز بر اشکال و احجام ساده و پایه استوار است و دارای قابلیت توسعه‌ی از طریق الحاق بخش‌هایی به آن است که این خود از طریق به کارگیری مفهوم سازگاری صورت می‌گیرد بنابراین بافت بین آنچه که می‌خواهد و آنچه شرایط جدید در اجتماع برایش ایجاد کرده، توازن برقرار می‌کند، که بتواند زنده بماند. معماری بافت تاریخی کریم خان شیراز با توسل به هندسه در ساختار آشکار بافت تاریخی به صورت خطوط و تناسب‌ترسیم گشته، ولی در باطن اشاره و رمز آن حقیقت معنوی پنهان است که به تعداد مخاطبین خود معانی در خود نهفته دارد که این موضوع موجب افزایش هویت می‌شود. در ترکیب پیچیده میان عناصر بدنه بافت تاریخی شاهچراغ شیراز کلیتی هماهنگ وجود دارد که شامل معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است؛ و منجر به برقراری پیوند فرد با مکان شده است و در آن انسان خود را جزئی از مکان یافته و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت مکان، نقشی از آن را در ذهن خود متصور ساخته است. شاخص تداوم از آن جهت اهمیت یافته است که موضوع سلسله مراتب بصری در بافت خیابان کریمخان شیراز از جهت اندازه، فرم، موقعیت قرارگیری بازشوها، فضاهای پر و خالی و عناصر معماری که خود تاکیدی بر سلسله مراتب معنوی است و همچنین با قرارگیری ورودی به عنوان یکی از با اهمیت ترین اجزا ساختمان در وسط بر روی محور تقارن موجب شده است تا فضاهای دیگر بر حسب اهمیت به ترتیب در کناره‌ها قرار گیرند. در نهایت می‌توان گفت بافت تاریخی ارگ کریمخان احساس عظمت معنوی در کمال سادگی و خلوص در تشکیل و ترکیب اجزا بافت تاریخی مد نظر قرار داشته و سادگی ترکیبات این هندسه پایه ولی غنی موجب پیدایش کالبدی شده است که پیام آن با درک ویژه حسی قابل دریافت است.

همان‌گونه که در اهداف اولیه این پژوهش آمده است، نگارنده در پی تعریف صحیح طراحی مراکز اجتماعی بافت تاریخی از طریق کشف ارزش‌های معنایی به‌عنوان یکی از مفاهیم موجود و قابل‌شناسایی در معماری بافت‌های تاریخی (شیراز) بود. با دست‌یابی به این هدف در پژوهش حاضر، در واقع چراغ راهی برای پژوهش‌های بعدی روشن گردیده است. بنابراین، موارد زیر به پژوهشگران این حوزه توصیه می‌شود:

تحقیقات علمی گسترده‌تر مسلماً به خوانش تعداد دیگری از مفاهیم معنایی نهفته در معماری مراکز اجتماعی بافت تاریخی کلان شهر (شیراز)، (که در محدوده این رساله نمی‌گنجد) خواهد انجامید. بنابراین اولین پیشنهاد نگارنده ادامه طی مسیر شناخت این مفاهیم پنهان در لایه‌های مختلف معنایی بافت‌های تاریخی است.

انجام تحقیق گسترده‌تر روی روش و نحوه ساخت مراکز اجتماعی در بافت‌های ارزشمند تاریخی کلان شهرها بجای مانده‌اند. و همچنین تدوین ضوابط جامع و کامل ساخت بناهای جدید در بافت‌های تاریخی که امروزه می‌تواند راهگشای معماری این سرزمین باشد.

انجام پژوهش‌های مشابه این رساله، در مقیاس ملی و کلان شهرهای ایران. بدین صورت که نقش مراکز اجتماعی در معماری بافت‌های تاریخی مشخص و نحوه ساخت مراکز اجتماعی از منظر کمی و کیفی در پس کالبد بافت‌های ارزشمند تاریخی در مقیاس میانی و کلان نیز در وسعت ملی مشخص گردد، که به حتم مطالب تازه زیادی برای فهم این موضوع در بستر معماری بافت‌های تاریخی در بر خواهد داشت.

این پژوهش، در بستر معماری‌های بافت‌های ارزشمند تاریخی دیگر مناطق ایران با اقلیم، فرهنگ، دوره‌ها و سبک‌های متفاوت نیز قابل انجام است و احتمالاً نتایج متفاوتی خواهد داشت. پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های جداگانه‌ای، به تنهایی یا به‌طور مقایسه‌ای انجام و بررسی شود که به‌طور حتم برای شناخت دقیق‌تر طراحی معماری مراکز اجتماعی در بافت‌های تاریخی آن مناطق نتایج بسیار درخوری در بر خواهد داشت.

منابع

- Alexander, C. Sara Ishikawa, and Murray Silverstein. *A Pattern Language*; Oxford University Press: New York, NY, USA, 1977.
- Alexander, C.; Hajo, N.; Artemis, A.; Ingrid, K. *A New Theory of Urban Design*; Oxford University Press: New York, NY, USA, 1987.
- Australia ICOMOS. *The Burra Charter*. ICOMOS: Burra, Australia, 1999. Available online: www.icomos.org/australia/burra.htm (accessed on 15 August 2017).
- Butina-Watson, G.B.; Bentley, I. *Identity by Design*; Architectural Press: Oxford, UK, 2007. [Google Scholar]
- Carrion, F.M. *The Historical Centre as an Object of Desire*. *City Time* 2005, 1, 3.
- Carta, M. *L'armatura Culturale del Territorio Il Patrimonio Culturale Come Matrice di Identità e Strumento per lo Sviluppo*; Franco Angeli: Milano, Italy, 1999. [Google Scholar]
- Cheshmehzangi, A. *Identity and public realm*. *Soc. Behav. Sci.* 2012, 50, 307–317.
- Cheshmehzangi, A. *Urban Identity as a Global Phenomenon: Hybridity and Contextualization of Urban Identities in the Social Environment*. *J. Hum. Behav. Soc. Environ.* 2015, 25, 391–406.
- Cheshmehzangi, A. *Urban Identity, Human and Environment*. In: *Identity of Cities and City of Identities*. Springer, Singapore. 2020. https://doi.org/10.1007/978-981-15-3963-3_3
- European Parliament. 1975. Available online: http://www.europarl.europa.eu/ftu/pdf/en/FTU_1.3.1.pdf (accessed on 25 July 2017).
- Evans, G. *Measure for measure: Evaluating the evidence of culture's contribution to regeneration*. *Urban Stud.* 2005, 42, 959–983.
- Goldstein, J.; Elliott, C. *Designing America: Creating Urban Identity*; Van Nostrand Reinhold: New York, NY, USA, 1993.
- Graham, B.; Ashworth, G.; Tunbridge, J. *A Geography of Heritage: Power, Culture and Economy* (Hodder Arnold Publication); Routledge: London, UK, 2000.
- Hague, C.; Jenkins, P. *Place Identity, Planning and Participation*; Routledge: London, UK, 2005; Available online: <http://www.icvbc.cnr.it/all%202.pdf> (accessed on 15 January 2017).
- Halbwachs, M. *On Collective Memory*; University of Chicago Press: Chicago, IL, USA; London, UK, 1992.
- Jacobs, J. *The Death and Life of Great American Cities*; Modern Library: New York, NY, USA, 2011.
- Jones, P.; Evans, J. *Urban Regeneration in the UK*; Sage: London, UK, 2013.
- Kelbaugh, D. *Common Place: Toward Neighborhood and Regional Design*; University of Washington Press: Seattle, WA, USA, 1997.
- Kim, J. *Understanding Elements of Local Identity of Place: Physical vs. Personal-Social Attributes*. In *Proceedings of the 88th ACSA Annual Meeting Proceedings, Heteropolis, La Verne Wells-Bowie, Los Angeles, CA, USA, 11–14 March 2000*; pp. 451–455.
- Lynch, K. *What Time is This Place?* MIT Press: Cambridge, MA, USA, 1972.
- Lynch, K. *A Theory of Good City Form*; MIT Press: Cambridge, MA, USA, 1981.
- Lynch, K. *The Image of the City*; MIT Press: Cambridge, MA, USA, 1960. [Google Scholar]
- Nora, P. *Realms of Memory 1–3*; Columbia University Press: New York, NY, USA, 1996–1998.
- Norberg-Schulz, C. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*; Rizzoli: London, UK, 1980.
- Relph, E. *Place and Placelessness*; Pion: London, UK, 1976. [Google Scholar]
- Roberts, P. *The evolution and Purpose of Urban Regeneration*. In *Urban Regeneration: A Handbook*; Roberts, P., Hykes, Eds.; Sage: London, UK, 2000; p. 17.
- Rossi, A. *The Architecture of the City*; Opposition Books: New York, NY, USA, 1982.
- Scheffler, N.; Kulikauskas, P.; Barreiro, F. *Managing Urban Identities: Aim or Tool of Urban Regeneration?* Academia Press: New York, NY, USA, 2009; pp. 9–13.
- Schuster, J.; Davidson, M. *Growth and the Loss of Regional Character*. *Places* 1989, 6, 78–86.
- The Academy of Urbanism. *Urban Identity, Learning from Place 2*; Routledge: Oxon, UK, 2011.

Tunbridge, J.E.; Ashworth, G.J. *Dissonant Heritage: The Management of the Past as a Resource in Conflict*; Wiley: Hoboken, NJ, USA, 1996.

Tweed, C.; Southerland, M. Built cultural heritage and sustainable urban development. *Landsc. Urban Plan.* 2007, 83, 62–69.

Udeaja, C., Trillo, C., Awuah, KGB., Makore, BCN., Patel, DA., Mansuri, LE., Jha, KN. Urban Heritage Conservation and Rapid Urbanization: Insights from Surat, India. *Sustainability.* 2020, 12(6),2172. <https://doi.org/10.3390/su12062172>

UN-HABITAT. *State of the World's Cities 2010/2011: Bridging the Urban Divide*; Earthscan: London, UK, 2011.

Urry, J. *Consuming Places*; Routledge: London, UK; New York, NY, USA, 1995.

Ziyae, M. Assessment of urban identity through a matrix of cultural landscapes. *Cities.* 2018, 74, 21-31.

نحوه ارجاع به مقاله:

دیده‌روشن، آرش؛ مضطرزاده، حامد (۱۴۰۱)، بررسی نقش مراکز اجتماعی تاریخی شهری بر هویت شهرهای تاریخی (نمونه موردی شهر شیراز)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۱ (۴۴)، ۹۸-۱۱۲، Dor: 20.1001.1.20087845.1401.11.44.6.9

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

